

در سال ۲۰۰۵ پنج کشور خاورمیانه عامل اصلی افزایش تولید نفت در جهان خواهند بود

آژانس بین‌المللی انرژی از استمرار احتیاج به نفت در میان کشورهای جهان خبر می‌دهد ولی پرسشی که مطرح می‌شود و پاسخ آن کاملاً روشن نمی‌باشد این است که نفت مورد نظر چگونه به دست آید و با چه نرخ.

روبرت بریدل - مدیر آژانس - اخیراً به مشکلات روزافزون تأمین نفت کافی در درازمدت، اعتراف کرد. او بر این نکته تأکید ورزیده که بسیار دشوار است که تمام این نیاز از منطقه خاورمیانه تأمین شود و البته این در صورتی امکان‌پذیر می‌شود که ما بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ مناطق نفتی جدیدی کشف شود.

آژانس بین‌المللی انرژی انتظار دارد تولید کشورهای نفتی خاورمیانه در آستانه سال ۲۰۱۰ از ۱۸/۵ میلیون بشکه در روز به چهل و چهار میلیون بشکه و در سال ۲۰۲۰ به چهل و نه میلیون بشکه در روز برسد تا بتواند تولید بازارهای نفتی را از ۱۷ میلیون بشکه به ۹۵ میلیون بشکه در روز رسانده و پوشش بدهد. این آمار در مقام مقایسه با سال ۱۹۹۶ میانگینی برابر ۱۶۴/۲ درصد را نشان می‌دهد.

در مورد تولید گاز در منطقه خاورمیانه، آژانس بین‌المللی انرژی انتظار دارد تولید گاز منطقه از ۱۱۰ به ۲۱۴ میلیون تن در طول سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ و به سه برابر آن در سال ۲۰۲۰ برسد.

کارشناسان غربی انرژی در برآورد آمارهای فوق شک و تردید دارند، زیرا معتقدند تحقق آمارهای مورد نظر در گرو دو شرط اساسی است: اول آنکه قیمت نفت در سریع‌ترین زمان ممکن به بالاترین حد برسد و دیگر این که تحریم نفتی که ایالات متحده

امریکا در مورد دو کشور ایران و عراق به راه انداخته لغو شود، زیرا این دو کشور یک سوم ذخیره نفت خاورمیانه را در اختیار دارند. سازمان بین‌المللی انرژی برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نرخ هفده دلار برای هر بشکه (با توجه به قیمت سال ۱۹۹۰) و برای سال ۲۰۲۰ نرخ ۲۵ دلار برای هر بشکه را برآورده کرده است.

منتهی آژانس انرژی در آخرین گزارش خود نسبت به افزایش تقاضا به میزان ۶۵ درصد هشدار داده و اعلام کرد این افزایش تقاضا بحران انرژی جدیدی به وجود خواهد آورد و چه بسا کاهش بسیار شدیدی را نیز سبب شود اما کارشناسان برای چیرگی بر این مشکلات مسی‌گویند بساید فن‌آوری پیشرفته‌تری را برای استخراج و تولید به کاربرد و افزون بر آن بساید میدانهای نفتی بیشتری کشف کرد.

طبق نظر رؤسای شرکت‌های نفتی آجیب و آرکو باید گفت در سال ۲۰۰۵ آماده‌سازی نفت به نسبت ۳۰۰ درصد کاهش خواهد یافت و در این صورت جهان باید با توجه به خطرات سیاسی منطقه خاورمیانه و آثار آن بر بازارهای نفت، نفت بیشتری را از پنج کشور پادشاهی سعودی، عراق، ایران، کویت و امارات خریداری کند. تحلیلگران بازارهای نفتی بر این عقیده‌اند که بالا رفتن بیش از حد قیمت نفت در سال گذشته، ترس از تکرار بحران نفتی سال ۱۹۷۴-۱۹۷۳ و همین‌طور ۱۹۸۰-۱۹۷۹ را تجدید کرد و نگرانی غریبها را در مورد احتمال بروز تورم و رکود اقتصادی، برانگیخت. تحلیلگران بر این باورند که به رغم وجود گاز و دیگر انرژی‌ها نفت همچنان در رأس تقاضاهاست و هیچ‌گاه اهمیت خود را از دست نخواهد داد و طی دهه‌های آینده همچنان انرژی اصلی باقی خواهد ماند. کارشناسان غربی نفت برای حل مشکل اساسی اول معتقدند که با توجه به درخواست نفت بیشتر که هر ساله ۲ درصد افزایش می‌یابد باید قیمت‌های نفت در حد بالا ولی معقول باقی بماند و برای حل مشکل دوم بساید سود نفت میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و شرکت‌های عظیم نفتی به تنهایی نمی‌تواند مانع رشد و یا رسیدن به راه‌حلهای مناسب شوند و در ضمن انتظار نمی‌رود که در آینده نیز تغییری کلی به وجود آید زیرا هر سه مورد یاد شده برای کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی کرده‌اند که این خود می‌تواند موجب تغییر قیمت نفت و نیز سبب

بروز مشکلات سیاسی شود. با توجه به مطالب فوق تحلیلگران و کارشناسان نفتی عقیده دارند صنایع نفت و اقتصاد جهانی به طور کلی در نتیجه کاهش عرضه مواد نفتی به بازار در سال ۲۰۰۵ دچار بحران‌های شدیدی خواهند شد. به نقل از رسانه‌های دنیا، اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی

ظرفیت مازاد تولید نفت جهان کمتر از برآوردهای قبلی است

بر اساس گزارشات مؤسسات تحقیقاتی، افزایش تولید اوپک روند رو به کاهش ظرفیت مازاد تولید نفت جهانی را تشدید کرده است. براساس گزارش مؤسسه PETRODATA برخی تولیدکنندگان عمده اوپک مانند ونزوئلا بخاطر عدم توسعه به‌موقع میدان‌های نفتی، در حال حاضر با حداکثر ظرفیت خود تولید می‌کنند توافق ۹ عضو اوپک در ماه مارس مبنی بر افزایش تولید به میزان ۱۴۵ میلیون بشکه در روز به این معنی است که در حال حاضر تنها عربستان سعودی، کویت و امارات عربی متحده از ظرفیت مازاد تولید قابل توجهی برخوردارند. براساس برآوردهای مؤسسه مذکور ظرفیت تولید قابل حفظ ایران یعنی دومین تولیدکننده بزرگ اوپک در حال حاضر ۳/۴ میلیون بشکه در روز است. مؤسسه مذکور می‌افزاید تنها با برنامه‌های فشرده حفاری می‌توان ظرفیت تولید ایران را افزایش داد. برنامه‌های حفاری این کشور با تأخیر انجام شده است. کاهش سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی (اکتشاف و تولید) که از دو سال پیش با سقوط قیمت‌های نفت شروع شد سبب شده است که در حال حاضر صنعت نفت جهانی در حال حاضر ۹۵ درصد ظرفیت تولید خود را مورد استفاده قرار دهد. ونزوئلا طی دو سال گذشته حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز از ظرفیت تولید خود را از دست داده و در حال حاضر ظرفیت تولید این کشور تقریباً در سطح سهمیه تولیدش در اوپک (۲/۸۴۵ میلیون بشکه در روز) قرار دارد. بیش از نیمی از دستگاه‌های حفاری این کشور غیر فعال بوده و این بدان معنی است که ظرفیت تولید نفت این کشور در سال جاری نیز کاهش خواهد یافت. بدین ترتیب به نظر می‌آید اکثر برآوردهای انجام

شده در مورد ظرفیت مازاد تولید جهانی نفت بیش از حد واقعی آن است و علت این امر نیز اعتماد بیش از حد به آمارهای رسمی ارایه شده است. شایان ذکر است که آژانس بین‌المللی انرژی ظرفیت کنونی مازاد تولید جهانی نفت را ۴-۵ میلیون بشکه در روز برآورد کرده که چندان واقعی به نظر نمی‌رسد. ظاهراً ظرفیت مازاد تولید جهانی نفت هم‌اکنون حدود ۲/۳ میلیون بشکه در روز بوده که قسمت اعظم آن در شبه‌جزیره عربستان قرار دارد. در حال حاضر کویت از ۵۰۰ هزار و امارات عربی متحده از ۲۰۰ هزار بشکه در روز ظرفیت مازاد تولید برخوردار است. در روند نزولی ظرفیت مازاد تولید نفت جهانی هیچگونه تغییری پیش‌بینی نمی‌شود. افزایش میزان تقاضای جهانی نفت و کاهش ظرفیت تولید باعث خواهد شد که طی ۵ سال آینده دیگر ظرفیت مازاد تولیدی وجود نداشته باشد. با سقوط ظرفیت مازاد تولید به حدود سه درصد میزان تولید، حفظ قیمت‌های نفت در یک سطح متوسط کار دشواری خواهد بود. اوپک قصد دارد طی ۷ سال آینده میزان ظرفیت تولید از میادین جدید خود را ۶ میلیون بشکه در روز افزایش دهد ولی باید در نظر داشت میادین فعال کشورهای عضو این سازمان طی همین مدت حدود ۱/۷ میلیون بشکه در روز افت تولید خواهند داشت. تأخیر در توسعه میادین نفتی ممکن است باعث شود که تولیدکنندگان نفت در زمان موردنظر به ظرفیت تولید پیش‌بینی شده دست نیابند. تولیدکنندگان غیراوپک نیز از این نظر وضعیت چندان مطلوبی ندارند کاهش سرمایه‌گذاری آنها در بخش بالادستی ممکن است در سال آینده سبب شود که تولید آنها حتی نسبت به سال جاری نیز کاهش یابد.

ضمیمه بازار نفت، شماره ۲۹۹۶، به نقل از رویتر

استقبال از

قوانین جدید سرمایه‌گذاری

در عربستان

قوانین جدید سرمایه‌گذاری در عربستان با استقبال سرمایه‌گذاران خارجی روبرو شده است. البته به عقیده تحلیلگران بایستی منتظر جزئیات این قانون بود و نمی‌توان انتظار

داشت که به صرف تصویب کلیات آن سبب سرمایه‌گذاران بلافاصله روانه این کشور شود. به عقیده ناظران اهمیت این قانون برای بخش انرژی از سایر بخش‌ها بیشتر است. به عقیده یکی از اقتصاددانان مستقر در جده، اخبار اولیه مربوط به قانون جدید خوب به نظر می‌رسد ولی باید منتظر ماند و دید که جزئیات آن به چه صورت خواهد بود و تنها در آن زمان مشخص خواهد شد که آیا به اندازه کافی برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب باشد یا نه. شایان ذکر است طبق قانونی که ماه گذشته مورد تأیید شاه فهد قرار گرفت. سرمایه‌گذاران بین‌المللی مجاز خواهند بود از صد در صد مالکیت پروژه‌ها و همچنین مالکیت دارایی‌ها و اموال مربوط به این پروژه‌ها برخوردار باشند. سرمایه‌گذاران خارجی از مدتها قبل چنین خواسته‌ای را برای انجام سرمایه‌گذاری در این کشور عنوان می‌کردند. تا قبل از تصویب این قانون حداکثر سهم سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌ها ۴۹ درصد بود و نمی‌توانستند مالکیت زمین و ساختمان‌ها را در اختیار داشته باشند. شایان ذکر است که ۲۵ درصد جمعیت ۲۰ میلیونی عربستان را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند و دولت این کشور در واگذاری املاک به خارجی‌ها بسیار محتاط است. بنگاه‌های معاملات ملکی انتظار دارند با وارد شدن خارجی‌ها به بازار املاک، این بخش از رونق قابل توجهی برخوردار شود.

انتظار می‌رود که از هفته آینده شرکت‌های نفتی خارجی مذاکرات جدی خود را برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت عربستان آغاز کنند. گفتنی است که بخش بالادستی (اکتشاف و تولید) همچنان بر روی سرمایه‌گذاران خارجی بسته است اما قانون جدید احتمالاً علاقه‌مندی سرمایه‌گذاران در سایر بخش‌های صنعت نفت این کشور را تشدید خواهد کرد. قانون مذکور در ماه فوریه گذشته به تصویب شورای عالی اقتصاد این کشور رسید. این شورا وظیفه سیاست‌گذاری اقتصادی کشور را برعهده داشته و ریاست آن را شاهزاده عبدا... ولیعهد عربستان برعهده دارد. گفته می‌شود که شاهزاده عبدا... اجرای برنامه‌های رفعم اقتصادی عربستان را رهبری می‌کند. قانون جدید همچنین وضعیت کارکنان خارجی را نیز تغییر خواهد داد. براساس قوانین قبلی تمام خارجی‌ها بایستی توسط یک شهروند سعودی ضمانت می‌شدند. به گزارش خبرگزاری عربستان

کابینه عربستان تشکیل اداره‌ای را به تصویب رسانده که کار آن رسیدگی به درخواست‌های سرمایه‌گذاری در این کشور است. این اداره موظف است پس از ۳۰ روز از زمان دریافت درخواست سرمایه‌گذاری در مورد آن تصمیم‌گیری کرده و در صورت رد درخواست دلایل آن را ذکر کند. به عقیده تحلیلگران با تصویب قوانین جدید سرمایه‌گذاری در عربستان راه برای پیوستن این کشور به سازمان تجارت جهانی (WTO) هموار خواهد شد. سرمایه‌گذاران داخلی عربستان نیز از قوانین جدید به خاطر ایجاد رقابت حمایت کرده و امیدوارند که ورود سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاران داخلی صدمه نزند.

ضمیمه بازار نفت، شماره ۲۹۹۸، به نقل از رویتر

کاهش مصرف انرژی در جهان

براساس تحقیقی که توسط شرکت نفتی بی.پی.آموکو صورت گرفته، مصرف انرژی در جهان به آهنگ رشد دهه قبل برنخواهد گشت.

یان مک‌کافرتی، یکی از مسوولین مطالعات اقتصادی در شرکت بی.پی.آموکو معتقد است شرایط بازار انرژی در آستانه ورود به قرن بیست و یکم بسیار متفاوت‌تر از شرایطی است که در سال‌های دهه نود بر این بازار حاکم بوده است. یان مک‌کافرتی دیروز در پاریس آخرین شماره از سالنامه آماری شرکت بی.پی.آموکو را معرفی کرد. تمامی اقتصاددانان انرژی از این نشریه به عنوان مرجع استفاده می‌کنند. بنا به گفته مک‌کافرتی، تحولی که در ۱۹۹۸ در زمینه مصرف انرژی ایجاد شده نشان از یک تغییر ساختاری دارد.

از نظر اقتصاددانان بی.پی، میزان مصرف در آسیا به آهنگ رشدی مشابه با آنچه در دهه نود بود باز نخواهد گشت. هرچند که بحران آسیا در حال محو شدن است. گفتنی است که در دهه نود، میزان تقاضای روزانه برای نفت سالانه پانصد هزار بشکه افزایش می‌یافت. در گزارش مذکور چنین آمده است: بحران اقتصادی موجب شد که استراتژی سرمایه‌گذاری تغییر یابد و هزینه‌ها و نیز مصرف نفت کاهش پیدا کند. در چین وقایع فوق‌العاده‌ای اتفاق افتاد.

در سال ۱۹۹۸ مصرف انرژی اولیه در این کشور ۳/۲٪ کاهش یافت، اما تولید ناخالص داخلی با ۷/۸٪ افزایش همراه بود! کاهش مصرف که به ویژه به زغالسنگ مربوط می‌شد برابر بود با کاهش مصرف در چهار کشور بحران‌زده آسیا که آن هم مساوی بد با ۰/۳٪ از مصرف کل جهان.

یان مک‌کافرتی معتقد است که این تحول ادامه خواهد داشت. وی این کاهش را ناشی از تغییر ساختار بخش صنعتی در چین و نیز افزایش تولیدات برق آبی و هسته‌ای می‌داند. وی بر این عقیده است که در جمهوری‌های شوروی سابق مرحله اول از دوران گذار به پایان رسیده است. مرحله دوم اینکه آغاز شده و طی آن میزان مصرف زغالسنگ کاهش و تقاضا برای گاز افزایش خواهد یافت و نیاز به مصرف انرژی به طور متوسط کاهش خواهد یافت.

و اما درباره مصرف نفت باید گفت که سیاست‌های اوپک و بهتر شدن چشم‌انداز اقتصادی در کشورهای مصرف‌کننده نفت باعث شد که قیمت نفت در سال ۱۹۹۹ افزایش یابد. اما شرکت نفتی بی‌پی معتقد است: احتمال اندکی وجود دارد که تقاضا برای نفت همانند سال‌های دهه نود یعنی همانند آنچه قبل از بحران اقتصادی بود، افزایش یابد.

و سرانجام باید افزود که برای اولین بار پس از سال ۱۹۹۲، میزان تولید گاز کربنیک سال گذشته ۰/۵ درصد کاهش یافت. بیشترین کاهش به آسیا و اروپا مربوط می‌شود که به ویژه به دلیل پایین آمدن مصرف زغالسنگ در چین و لهستان بوده است. احتمال اندکی وجود دارد که میزان تولید گاز کربنیک در کوتاه‌مدت ثابت بماند.

به نقل از ترجمان اقتصادی، جهان اقتصاد در سال ۷۸

انرژی سبز جهان را فرامی‌گیرد!

گفتگوی اشپینگل با آقای فرستین فارن هولت، رییس کمپانی شل درباره سوءاستفاده از انرژی سبز و ورود به عصر انرژی خورشیدی.

اشپینگل: آقای فارن هولت، انرژی سبز واقعا چه رنگی است؟
فارن هولت: متأسفانه به این مسأله

توجهی نمی‌شود، که آیا در روند تولید انرژی موازین زیست‌محیطی رعایت شده است، یا خیر. بدین ترتیب گاهی شاهد هستیم که انرژی تولید شده در نیروگاه‌های هسته‌ای در فرانسه یا شرق اروپا به عنوان انرژی سبز وارد بازار می‌شود. در اینجا وظیفه مصرف‌کنندگان است که به جزییات توجه داشته باشند.

شرکت شل آلمان به همراه شرکت‌های برق هامبورگ، که آنها هم از نیروگاه‌های هسته‌ای استفاده می‌کنند، انرژی سبز در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد. کجای این انرژی سبز است؟

ما تضمین می‌کنیم، که این انرژی از منابع جدیدی همچون آب، باد یا خورشید تأمین شده است. از نظر ما انرژی سبز باید به طور کلی عاری از CO2 باشد...

بنابراین در تولید این انرژی برخلاف نیروگاه‌های با سوخت زغالسنگ هیچگونه دی‌اکسید کربن آزاد نمی‌گردد.

البته انرژی تولید شده در نیروگاه‌های هسته‌ای را هم نمی‌توان انرژی سبز نامید.

مصرف‌کنندگان آلمانی در مورد رنگ واقعی انرژی و اینکه آیا واقعا انرژی به اصطلاح سبز از منابع جدید تأمین می‌شود یا خیر دچار تردید شده‌اند.

دقیقا به همین دلیل است که باید معیاری

مشخص در مورد کیفیت انرژی سبز وجود داشته باشد. چنین استانداردهایی را باید اداره فدرال حفاظت از محیط‌زیست یا سازمان استاندارد TV تعیین کند. اگر مصرف‌کننده این احساس را نداشته باشد، که سرش کلاه رفته، بدون شک به مصرف انرژی سبز تمایل خواهد شد.

حالا چرا یک کنسرسیوم نفتی به فکر تولید انرژی سبز افتاده است؟

ما باید برای جلوگیری از آلودگی بیشتر جو سیاره خود از میزان تولید گاز دی‌اکسید کربن بکاهیم. ما حداقل برای کاستن از دامنه پیامدهای یک فاجعه زیست‌محیطی به منابع تازه انرژی نیاز داریم. در این بین انرژی سبز می‌تواند در درازمدت جایگزین انرژی تولید شده در نیروگاه‌های هسته‌ای و حرارتی شود.

از این روست، که هم‌اکنون در سقف پمپ بنزین‌های متعلق به شرکت شل سلول‌های خورشیدی نصب شده و در پالایشگاه‌های آن توربین‌های بادی انرژی تولید می‌کنند. آیا این کارها صرفا جنبه نمایشی دارد؟

به هیچ وجه، ما در کنسرسیوم شل یک

برنامه یک میلیارد مارکی در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر به مورد اجرا درآورده‌ایم، زیرا ما بر این اعتقاد هستیم، که در قرن آینده باید در این عرصه توانایی رقابت با دیگران را داشته باشیم. ما امیدواریم تا سال ۲۰۵۰ حدود پنجاه درصد از بازار انرژی‌های نوین را در سراسر جهان در اختیار بگیریم.

چگونه قصد دارید، به این هدف دست یابید؟

در کشورهایی همچون چین، هند، یا آفریقای جنوبی از مدتها پیش استفاده از انرژی خورشیدی مقرون به صرفه شده است. در بازار اروپا نیز از انرژی خورشیدی درکنار سایر منابع انرژی پاک استفاده می‌شود. ما در صدد هستیم، تا سلول‌های خورشیدی را در پشت‌بام خانه‌های آلمانی‌ها نصب کنیم.

اکنون قیمت هر کیلووات ساعت انرژی تولید شده توسط سلول‌های خورشیدی یک و نیم مارک تمام می‌شود و بدین ترتیب این انرژی قادر به رقابت با گونه‌های دیگر نیست. این روند پس از تولید انبوه سلول‌های خورشیدی تغییر می‌کند.

از میان ۴۳ میلیون مشترک برق در آلمان فدرال، تنها سی هزار مشترک از انرژی سبز استفاده می‌کنند. ایسراد کار در کجاست؟

عامل اصلی عدم تمایل مصرف‌کنندگان به انرژی سبز قیمت به نسبت بالای آن است. از این رو در نظر گرفتن معافیت مالیاتی برای انرژی سبز اقدامی ضروری به نظر می‌رسد. برای آنکه انرژی‌های جدید قابل رقابت با سایر انواع انرژی باشند، نیاز به یک خواست جمعی است. از طرف دیگر نباید از نظر دور داشت که گرفتن چهار فنیگ مالیات در قبال هر کیلووات ساعت انرژی سبز تأثیر بسیار نامطلوبی بر بازار گذاشته است.

البته معافیت مالیاتی عملی نیست، به جای آن می‌توان از تولیدکنندگان انرژی‌های جدید حمایت کرد.

من از دولت فدرال آلمان، که سبزه‌ها هم در آن حضور دارند، انتظار دارم برنامه‌های خود را در خصوص حمایت از تولید انرژی سبز به مورد اجرا درآورد. از جمله این برنامه تخصیص اعتباری برای نصب سلول‌های خورشیدی در بام منازل است. از این طریق تحولی عمده در بخش انرژی خورشیدی روی خواهد داد.

به نقل از ترجمان اقتصادی

سمیح فهمی، وزیر نفت مصر در روز سوم ژانویه ۲۰۰۰ اعلام کرد که کشورش در صدد است تا از توان بالای صنعت گاز فلات قاره خود به عنوان یک منبع عظیم ارزی استفاده کند. در این مقاله به چشم‌انداز صدور گاز طبیعی توسط وزارت نفت مصر می‌پردازیم.

در اوایل سال ۱۹۹۹ وزارت نفت مصر تصمیم گرفت از انتشار هرگونه آمار و ارقام مربوط به تراز پرداخت‌های منفی در بخش نفت جلوگیری کند. چندی بعد، سمیح فهمی، وزیر جدید کابینه دولت که با این سیاست موافق نیست و با صراحت دلایل مربوط به سیر منفی تراز پرداخت‌های این بخش را مورد اشاره قرار داد. وی در اوایل ماه دسامبر ۱۹۹۹ با اعلام آمار و ارقام مربوط به این بخش، تنها راه مبارزه با این مشکل را صدور گاز طبیعی دانست. فهمی اکنون استراتژی خاصی را با هدف دگرگون ساختن بخش نفت و گاز کشور تا سال ۲۰۰۳ در دستور کار خود قرار داده است. یکی از اجزای این استراتژی، آماده‌سازی زمینه لازم برای صدور فوری گاز طبیعی از طریق خط لوله یا به صورت تبدیل آن به گاز مایع است. وزیر نفت مصر با اعلام این موضوع که فعالیتهای مربوط به اکتشاف گاز طبیعی توسط شرکت‌های بین‌المللی در حوزه دریای سرخ و دریای مدیترانه، به احتمال زیاد، میزان ذخایر گاز طبیعی این کشور را تا سه برابر افزایش خواهد داد و به رقم ۱۲۰ تریلیون فوت مکعب می‌رساند، خوش‌بینی خود را نسبت به این موضوع ابراز نمود. اسرائیل در تاریخ ۲۳ دسامبر سال گذشته اعلام کرد که مقام‌های رسمی در قاهره موافقت خود را با موضوع اتصال خط لوله گاز طبیعی اعلام کرده‌اند. به گفته سخنگوی نخست‌وزیر اسرائیل بر اساس توافق دو کشور، قرار است ظرف مدت دو سال زمینه لازم برای صدور گاز طبیعی مصر به اسرائیل فراهم شود اما قیمت و سایر جزئیات این قرارداد در آینده مورد بحث و مذاکره قرار می‌گیرد. گاز طبیعی موضوع این قرارداد از حوزه‌هایی که شرکت آجیب ایتالیا در آن فعال است تأمین خواهد شد.

هم‌اکنون پیشنهادهایی نیز در مورد صدور گاز طبیعی مایع به کشورهای نظیر ترکیه،

یونان و ایتالیا مطرح است. این پیشنهادها را سه شرکت بزرگ بی‌جی اینترنشنال از انگلستان، گروه رویال داچ/شل و بی‌پی آموکو که از سال‌های پیش به همراه شرکت آجیب ایتالیا بزرگترین تولیدکننده گاز طبیعی در مصر بوده‌اند، مورد بررسی قرار خواهند داد.

البته انگیزه مصر برای صدور گاز طبیعی کامل، روشن است. کسری تراز تجاری در بخش نفت در سال‌های ۹۹-۱۹۹۸ عواقب وخیمی برای اقتصاد مصر در برداشت به طوریکه باعث به وجود آمدن بحران نرخ ارز و سرانجام سقوط دولت کمال الفتنزوری در ماه اکتبر گردید. در اوایل دهه ۱۹۹۰ مجموع درآمد ارزی این کشور در بخش نفت به بیش از ۱۰۰۰ میلیون دلار می‌رسید، در حالی که در سال ۱۹۹۸، این رقم به ۱۰۳ میلیون دلار رسید و چندی پیش نیز فهمی اعلام کرد که در سال ۱۹۹۹ با ۸۱ میلیون دلار کسری درآمد ارزی روبه‌رو بوده‌اند.

فکر صدور گاز طبیعی مصر ابتدا در سال‌های میانی دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. دولت اسرائیل در زمان اسحاق رابین علاقه زیادی به اجرای این پروژه داشت اما نبود شبکه گاز موردنیاز در داخل کشور باعث شده بود توافق بر سر جزئیات مانند حجم گاز وارداتی با مشکل روبه‌رو شود. مذاکرات مربوط به این قرارداد در زمان تانیامو نیز دنبال شد اما بعد از به قدرت رسیدن ایهود باراک با جدیت بیشتری ادامه یافت.

مشتری دیگر گاز طبیعی مصر، ترکیه است. این کشور در سال ۱۹۹۶ یادداشت تفاهمی را با هدف خرید ۱۰۰۰۰ میلیون مترمکعب گاز مایع در سال با شرکت دولتی مصر به امضاء رسانده است. شرکت‌های آموکو و آجیب زمین مورد نظر برای احداث یک واحد تولید گاز مایع را نیز در نزدیکی بندر پورت سعید انتخاب کرده‌اند اما به دلیل مصمم نبودن دولت‌های هر دو کشور تاکنون قدمی برای اجرای این توافقنامه برداشته نشده است.

تعهد و تصمیم قطعی دولت‌ها برای شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در پروژه‌های تولید و صدور گاز طبیعی بسیار مهم است. به همین دلیل است که حمایت فهمی از موضوع صدور گاز طبیعی برای رؤسای شرکت‌ها بسیار خوشایند بوده است. رؤسای شرکت‌های گازی سرمایه‌گذار در مصر کم و بیش از افزایش مصرف بازار

داخلی این کشور و جذب تمامی ظرفیت‌های جدید ایجاد شده در سال‌های آتی نگران بودند. مایکل شیلتون مدیر بازرگانی بی‌جی اینترنشنال در مصر در سپتامبر ۱۹۹۸ هشدار داده بود که اگر شرکت‌های دست‌اندرکار تولید گاز طبیعی مجبور شوند کل ظرفیت تولید خود را روانه بازار داخلی کنند، دیگر انگیزه‌ای برای آن‌ها باقی نخواهد ماند. وی در آن زمان اعلام کرده بود که اگر مشکلات موجود به زودی حل نشود و پروژه‌های صدور گاز طبیعی به راحتی به اجرا درنیاید، دولت مصر فرصت موجود را برای حفظ موقعیت خود به عنوان بزرگترین تأمین‌کننده گاز طبیعی در منطقه شمال آفریقا از دست خواهد داد.

در سال آینده، با تشویق مسؤولان جدید وزارت نفت مصر و اشتیاق شرکت‌های دست‌اندرکار تولید گاز طبیعی در ساحل دلتای مصر، شاهد اجرای چندین پروژه در بخش صدور گاز مایع به کشورهای حاشیه دریای مدیترانه خواهیم بود. این گونه طرح‌ها در کنار پروژه خط صدور لوله گاز طبیعی به اسرائیل، تا اواسط این دهه، بار دیگر درآمد ارزی هنگفتی را برای بخش نفت و گاز مصر به ارمغان خواهد آورد.

به نقل از ترجمان اقتصادی، شماره ۴۳

نگاهی به تحولات اخیر

در شرکت بی.پی و آموکو

تهیه و تنظیم: فرهاد محمدی

شرکت انگلیسی بریتیش پترولیوم در سال ۱۹۹۸ با شرکت آمریکایی آموکو ادغام شد و اخیراً نیز شرکت مستقل نفتی آرکو آمریکا به آنها پیوست، شرکت جدید با ۸۵ میلیارد دلار فروش در رده سوم شرکت‌های بزرگ نفتی جهان قرار دارد. آرکو ۱۵ درصد مجموعه بی.پی آموکو را شامل می‌شود.

فعالیت جاری شرکت بریتانیابریتش پترولیوم در ایران به اظهار تمایل این شرکت به پیوستن به قرارداد نوزده میلیون دلاری کشف میادین نفت در دریای خزر با شرکت انگلیسی لاسمو (Lasmo) و گروه رویال داچ/شل محدود می‌شود.

سرجان براون، ۵۱ ساله از سال ۱۹۶۶ وارد بی.پی شد، پس از پشت سر گذاشتن سمت‌هایی همچون مدیر مالی، مسؤول

اکتشاف و... در سال ۱۹۹۵ به عنوان مدیرعامل این شرکت منصوب شد. این مدیرعامل کوتاه قامت، مجرد و خستگی ناپذیر، طی چند ماه با بازخرید دو شرکت آمریکایی آموکو و آرکو به ترتیب با قیمت‌های ۵۵ و ۲۶ میلیارد دلار خودش را به عنوان رئیس یکی از دو یا سه شرکت بزرگ نفتی جهان مطرح ساخت.

براون مدیر عامل کمپانی BP با ۱۶۸ ساتیمتر قد در مطبوعات انگلیس به "گوتوله" شهرت دارد، می‌گوید: نرخ معامله کمپانی آموکو بر اساس قیمت‌های روز نفت نبود. زیرا موضوع ادغام از سال ۱۹۹۳ مطرح بوده است. براون که در بهره‌گیری از سرمایه شهرت جهانی دارد از سال ۱۹۹۲ زمانی که مرد شماره دو BP بود توانست این کمپانی را که با ۶۲۴ میلیون دلار ضرر روبرو بود در سال ۱۹۹۸ با حجم سرمایه ۷۱ میلیارد دلار، ۴/۶ میلیارد دلار درآمد بسازد که نرخ بازدهی آن برابر ۱۶ درصد بود و این بالاترین نرخ بازدهی در صنعت در آن سال و بالاتر از عملکرد شل می‌باشد.

براون در مورد نقش شرکت BP در حرکت ادغام‌ها و نوسازی‌ها در عرصه نفت می‌گوید: سقوط قیمت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ادغام و تشکیل بی‌بی‌پی-آموکو-آرکو نداشت، ما از سال ۱۹۹۶ ایده‌ای در ذهن داشتیم که در سال جاری (۱۹۹۹) به نتیجه رسید. براساس این ایده ما معتقد هستیم که نوع تقاضای انرژی در جهان، به زودی کاملاً دگرگون می‌شود. به عنوان مثال در اروپا، صنایع بزرگ اقبال روزافزونی نسبت به گاز انجام می‌دهند. به همین ترتیب نوع سوخت خودرو در حال تغییر است. سوخت‌های جدید تمیزتر و در نتیجه از سهم بنزین کاسته خواهد شد. ما در مقابل این دگرگونی‌های اساسی، به منابع خودمان نگاه کردیم و متوجه شدیم که در عرصه گاز و نفت در بازارهایی مثل بازار ایالات متحده حضور کافی نداریم. همچنین متوجه شدیم که واحد

پتروشیمی ما ضعیف است. به علاوه نکته دیگری را نیز باید در شرایط جدید لحاظ می‌کردیم که عبارت است از تولید با کیفیت بالاتر، در حالی که قیمت‌ها مرتباً رو به کاهش است. مجموعه این عوامل ما را به سوی ادغام سوق داد. به عقیده کارشناسان BP از نظر پالایش و عرضه در آمریکا بسیار ضعیف بود که با این ادغام به عنوان یکی از کمپانی‌های درجه یک تا دو مطرح می‌شود و بویژه در ۱۹ ایالت مرکزی و جنوب شرقی آمریکا رتبه اول را خواهد داشت. به علاوه جایگاه‌های پخش بنزین BP به آموکو تغییر یافت زیرا مارک تجاری آموکو بیشتر شناخته شده است و به عرضه نفت مرغوب و باصرفه شهرت دارد. با ادغام BP با آموکو شرکت به سهم بیشتری در تجارت گاز دست یافت و نسبت نفت به گاز آن به ۶۵ در مقابل ۳۵ درصد خواهد رسید که برابر با کمپانی اگزان و شل می‌باشد. در زمینه محصولات دارویی BP آموکو پس از شل و دو کمپانی دارویی آلمان قرار خواهد گرفت. به گفته براون تولید و تجارت دارو بازده بیشتری دارد.

مدیرعامل بی‌بی‌پی-آموکو در مورد نحوه ادغام BP با آموکو و آرکو می‌گوید: ما به طور همزمان به دو ادغام یاد شده مشغول شدیم، بلکه در دو مقطع زمانی به آنها پرداختیم و پیشاپیش بخش‌های موازی و فعالیت‌های تکراری را شناسایی کردیم. در مورد آموکو، ما همه شرایط را در فصل تابستان ۱۹۹۸ مورد بررسی قرار دادیم تا همه چیز برای آغاز حرکت شرکت جدید مهیا باشد. در آغاز رؤسای دو شرکت به طور مشترک تصمیم‌گیری می‌کردند. اما ما برای تسریع امور مقرر کردیم که نظام مدیریتی BP، استراتژی BP و شیوه‌ارزشیابی BP اعمال شود. در این ساختار، همگان با نقش خودشان آشنا بودند، بنابراین وقت چندانی تلف نشد و اجرای برنامه‌ها با موفقیت به پیش رفت. به دنبال آن من تا حد ممکن بازخرید آرکو را به تأخیر انداختم تا بی‌بی‌پی-آموکو کاملاً روی هلتک بیفتد.

جدول رده‌بندی کمپانی‌های بزرگ نفت جهان *

نام شرکت	تولید	ذخیره	پالایش	فروش
اکسون موبیل	۴/۳	۲۱/۵	۶/۶	۸/۹
روبال/داچ شل	۳/۷	۲۰/۵	۳/۴	۵/۷
بی‌بی‌پی آموکو	۴/۱	۱۹/۴	۳/۳	۵/۷
توتال فینا-الف	۲/۱	۹/۶	۲/۴	۳/۲
شورون	۱/۵	۶/۲	۱/۶	۲
نگراکو	۱/۳	۴/۷	۱/۵	۲/۹

* ستون ذخیره‌ها برحسب میلیارد و بقیه ستونها برحسب میلیون بشکه در روز

وی در مورد مسیر عملیات ادغام با آرکو نیز گفت: ما گروهی داریم که عملیات ادغام را هدایت می‌کند و به محض انعقاد قرارداد با آرکو، کارها شروع شد. باید توجه داشت که آرکو تنها ۱۵ درصد مجموعه بی‌بی‌پی-آموکو را شامل می‌شود. ما در بی‌بی‌پی-آموکو، ۱۲۶ کانون سوددهی داریم که با اضافه شدن آرکو به ۱۴۶ کانون رسید. ما در سایه سازماندهی غیرمتمرکز، و با حفظ استقلال عمل هر واحد می‌خواهیم فعالیت و سودآورتر باشیم.

براون در مورد حذف ده هزار شغل از مجموعه ۹۷۰۰۰ شغل در شرکت‌های سه‌گانه می‌گوید: ما کاملاً مراقبیم و هر ماهه نظرسنجی‌هایی داریم که نشان می‌دهد حقوق‌بگیران ادغام را تأیید می‌کنند و حتی دورنمای بهبود و شرایط کاریشان را روشنتر می‌بینند. در عین حال آنها تصمیمات مدیریت و محق بودن آنها در اتخاذ و چنین تصمیمات را قبول دارند. درباره تعدیل نیرو اگر از خود حقوق‌بگیران سؤال کنید، دست کم ۸۰ درصد آنها خواهند گفت که تعدیل نیرو به شکل عادلانه‌ای انجام گرفته است. وقتی کاهش تعداد کارکنان ضروری است، می‌توان این کار را به شیوه‌ای آرام و متقاعدکننده انجام داد. همزمان باید مشکل را به انسانی‌ترین شکل ممکن مرتفع ساخت که در این عرصه استفاده از ابزارهای مالی برای جلب رضایت بیکار شده‌ها توجیه‌شود.

وی در مورد حد و مرز سازماندهی بخش نفت گفت: نباید ادغام‌ها را زیادی بزرگ جلوه دهیم، برای درک مطلب به سه گروه نفتی بزرگ جهان توجه کنید: اگزان موبیل، شل و بی‌بی‌پی-آموکو-آرکو، مجموع این گروه‌ها در بازار بورس ۶۰۰ میلیارد دلار ارزش دارن. این رقم کلانی است اما به نسبت سهم آنها در بازار اکتشاف، تولید، پالایش و پتروشیمی، ابعاد این شرکت‌ها چندان هم بزرگ نیست. ما با دربر گرفتن آموکو به دومین تولیدکننده نفت در جهان، اما تنها با ۲ درصد سهم بازار، تبدیل شدیم. به علاوه بخش نفت به خاطر نیاز روزافزون جهان به نفت، بخشی روبه توسعه است.

